

همایش علمی پژوهشی فقه و حقوق اسلامی

نهاد برگزار کننده همایش: موسسه قانون یار

((با حمایت معنوی مرکز علمی کاربردی سازمان همیاری شهرداری های استان اصفهان))

سردبیر علمی و مسئول برگزاری همایش: دکتر بهنام اسدی
شماره مجوز: ۹۸/۲۳۵۱-۷۸۸۶۴
سال برگزاری همایش: ۱۳۹۸
شماره مقاله: ۸۰۵/۰۳۰۸
رده بندی کنگره: غ ۱۰۱/۴۷۲

بررسی و تحلیل مبانی و آثار آزادی مشروط و تاثیر آن در اصلاح مجرمین

ایرج جلیلیان

چکیده

آزادی مشروط اعطای آزادی ای است که پیش از پایان دوره محکومیت به محکومان به حبس داده می شود تا چنانچه در طول مدتی که دادگاه تعیین می کند از خود رفتاری پسندیده نشان دهند و دستورهای دادگاه را اجرا کنند، از آزادی مطلق برخوردار شوند. این اقدام در جهت اصلاح بزه کار و آماده ساختن وی برای بازگشت به زندگی اجتماعی صورت می گیرد. آزادی مشروط شامل کلیه زندانیان اعم از زن و مرد با هر سنی می گردد. مجرمی که با آزادی مشروط به جامعه بازگردانده شده تحت مراقبت و پایش قرار دارد و در عین حال که تحت نظر مقامات انتظامی است، تحت حمایت های درمانی نیز قرار دارد. نخستین بار آزادی مشروط در سال ۱۳۳۷ وارد نظام کیفری ایران شد. به موجب ماده واحده این قانون هر کس که برای مرتبه اول به علت ارتکاب جنحه یا جنایت به مجازات حبس محکوم شده بود تحت شرایطی می توانست از آزادی مشروط استفاده نماید این قانون بعدها وارد قانون مجازات اسلامی گردید و در سال ۱۳۷۷ اصلاح شد و در آخرین مرحله به تاریخ اول اردیبهشت ماه سال ۱۳۹۲ شمسی در قانون مجازات اسلامی اصلاح شد. چرخش اندیشه کیفری از مفهوم مجرد بزه، مسئولیت جزایی و ضرورت توجه به انسان، سبب شده است که بزهکار به عنوان انسانی نیازمند به کمک، شایسته تربیت و اصلاح و ارفاق مورد توجه قرار گیرد. چنین رویکردی از اجرای مجازات، وقتی با مفهوم اصلاح همراه شود، به این نتیجه منطقی منجر می گردد که با تحقق اصلاح و باز اجتماعی شدن بزهکار، دگر نیازی به

گذراندن دوران کامل محکومیت نیست. حال چنانچه موضوع محکومیت کیفری تحمل مجازات سالب آزادی باشد، با توسل به تاسیس «آزادی مشروط» می توان در جهت دستیابی به اهداف مذکور گام برداشت.

واژگان کلیدی: آزادی مشروط، تعلیق مجازات، آزادی مجرم، حقوق جامعه، قانون مجازات، حبس و زندان

بخش اول: کلیات

بند اول: معنا و مفهوم زندان

در زبان فارسی برای کلمه زندان و سایر مترادف های آن کاربرد و استفاده فراوانی شده و در فرهنگ لغات تعاریف متعددی از آن ارائه گردیده است. پاره ای نویسندگان زندان را جایی تعریف کرده اند که متهمان و محکومان را در آنجا نگه می دارند. (دهخدا، ۱۳۴۸: ۴۸۵ و ۴۸۶) عده ای نیز زندان را با کسر ز یعنی بندیخانه تعریف نموده و زندانبان به معنای کسی است که زندانیان را محافظت می کرده است. (فرهنگ آندراج، ۱۳۳۶: ۲۵۳) در زبان عربی نیز واژه های گوناگونی همچون سجن، حبس، وقف، اثبات، حصر، اقرار، امساک و... به کار رفته که به نظر می رسد دو واژه «حبس» و «سجن» بهترین معادل ها برای این واژه در زبان عربی باشند. «السجن یعنی در زندان نگه داشتن، رب السجن احب الی...» یعنی پروردگارا زندان برای من دوست داشتنی تر از چیزی است که مرا به آن فرا می خوانند». (منتظری، ۱۳۷۱: ۲۵) همچنین در لسان العرب «حبس، احتبس و حبسه به معنای جلوگیری کردن و باز داشتن هستند. حبس ضد تخلیه و گشودگی است. حبس محبسد و محبس اسم مکان و محل هستند و معنای بازداشتگاه را دارند». (ابن منظور، ۱۳۸۷: ۴۶) با توجه به عبارت گفته شده می توان سجن و حبس را به معنای محدود کردن کسی از رفت و آمده آزادانه و با اختیار خود دانست. محبس را نیز می توان مکانی دانست که چنین محدودیتی را بر فرد تحمیل کند. در قوانین و مقررات برخلاف آزادی مشروط که قانونگذار تعریفی از آن را

ارائه نداده است زندان دارای تعریف قانونی می باشد. در آئین نامه زندان ها مصوب ۱۳۷۲/۱/۷ و در ماده ۳ آن زندان اینگونه تعریف شده است؛ « زندان محلی است که در آن متهمان و محکومان با قرار یا حکم کتبی قضائی، موقتاً یا برای مدت معین و یا به طور دائم به منظور اصلاح و تربیت و درمان نارسائی ها و بیماری های اجتماعی و تحمل کیفر نگهداری می شوند». در این آئین نامه سه نوع زندان پیش بینی گردیده است. زندان بسته که محل نگهداری مجرمین خطرناک بوده و کاملاً محصور و دارای برج های دیده بانی می باشد. زندان نیمه باز که برای نگهداری مجرمین دارای خطر کمتر پیش بینی شده و در آن زندانیان به طور گروهی و تحت نظر مأمور به کار اعزام و مجدداً به آسایشگاه خود باز می گردند. زندان باز سومین قسم زندان بوده که محکومان بدون حفاظت و مراقبت اشتغال به کار و خدمت داشته و حق خروج از زندان را ندارند و شب ها نیز در نزدیکترین آسایشگاهی که به همین منظور تعیین شده استراحت می کنند. از جمله محکومانی که در این نوع از زندان در حال تحمل مجازات هستند را می توان محکومان جرائم غیر عمدی نظیر تصادفات رانندگی، محکومان به جرائم مالی و... نام برد.

بند دوم: تعریف آزادی مشروط

تأسیس جزایی آزادی مشروط یکی از سیاست های کیفری قانونگذار در اصلاح و بازگشت مجرم به زندگی اجتماعی و اولیه خود می باشد که در کنار ابزارهای دیگری همچون تعلیق اجرای مجازات، عفو قضائی و... و با رعایت شرایط و ضوابطی به کار برده می شود. متأسفانه در قوانین جزایی ایران تعریف خاص و جامعی از آزادی مشروط دیده نمی شود و در مواردی قانونگذار صرفاً در قوانین مختلف شرایط اعطای آن را تبیین نموده است. در این راستا می توان از تعاریفی که حقوقدانان در تبیین و تفسیر مواد مربوط به آزادی مشروط در قانون مجازات اسلامی ارائه کرده اند استفاده نمود. برخی از حقوقدانان آزادی مشروط را « آزادی موقت محکوم به حبس می دانند که مدتی از دوره محکومیت خود را طی کرده و با شرایط پیش بینی شده توسط قانون قابلیت آزادی بقیه مدت مجازات را به دست آورده است که در صورت اجرای شرایط آزادی او قطعی و محکومیت او به طور کامل اجرا می

گردد» (نوربها، ۱۳۷۱: ۹۴ و ۹۵) عده ای نیز آزادی مشروط را فرصت و مجالی دانسته اند که پیش از پایان دوره محکومیت به محکومین به حبس داده می شود تا در صورتی که دستورات دادگاه را اجرا کرده و از خود حسن رفتار نشان دهند بتوانند از آزادی مطلق برخوردار گردد که اعطای چنین مهمی مشروط به وجود شرایط قانونی می باشد. (اردبیلی، ۱۳۷۰: ۴۲) پاره ای دیگر از نویسندگان حقوق جزا آزادی مشروط را تأسیس جزایی دانسته اند که برای تأمین و استقرار نظم و آرامش در داخل زندان به کار برده می شود تا به تبع آن بتوان برنامه های آموزشی و توانبخشی را در داخل محیط زندان به نحو مطلوب اجرا کرد. مضافاً اینکه به موجب این تأسیس محکوم می تواند با رعایت شرایط معینی قبل از پایان دوره محکومیت از تحمل بخشی از مدت محکومیت خویش معاف می گردد. (آخوندی، ۱۳۷۴: ۱۰۴). اگر چه قانونگذار ایران در هیچ یک از قوانین مربوط به آزادی مشروط نتوانسته است تعریفی جامعی را از این تأسیس جزایی بیان کند، اما بررسی و مذاقه در هر یک از تعاریف فوق توسط حقوقدانان نشان می دهد که اکثر آنان آزادی مشروط را از جمله تدابیر و سیاست تقنینی دانسته اند که جهت تعدیل تبعات و آثار سوء مجازات حبس به کار می رود که در نهایت می تواند در کاهش آمار زندانیان و سایر آثار فردی و اجتماعی زندان مورد توجه قرار گیرد. نکته مهم در این خصوص آن است که در سیاست نوین کیفری دیگر هدف مجازات صرفاً انتقام جویی و یا تسکین تالم و آزرده گی خاطر مجنی علیه نبوده، بلکه هدف اصلی اصلاح مجرمین و بازگشت مجدد آنان به زندگی اجتماعی می باشد. آزادی مشروط در نظام کیفری نوین به مثابه یکی از انواع اقدامات تأمینی و به تسامح ساده ترین و مهم ترین اقدام تأمینی می باشد که قاضی جزایی را در عصر حاضر بر آن می دارد تا با اقدام خود در اعطای آن بتواند آن را همچون دارویی برای بیمار تجویز نموده و فرصت بازگشت به اجتماع و شروع یک زندگی مسالمت آمیز را برای وی فراهم سازد. به همین خاطر است که امروزه در اکثر نظام هادی جزایی نوین و در کشورهای مختلف از نظرات مکاتب تحقیقی و دفاع اجتماعی استفاده شده و زندانیان را با رعایت شرایطی آزاد می کنند. بررسی مبانی حقوقی و قوانین سایر کشورها از جمله فرانسه، انگلیس، بلژیک، سوئیس، نروژ، سوئد، آلمان، چین و... (تدین، همان منبع، پیشین: ۲۷) رویکرد فوق را تأیید می نماید و در این

قوانین بی آن که بتوان تعریفی صریح و کامل از آزادی مشروط به دست آورد، صرفاً همچون قانون ایران از شرایط اعطای آن بحث شده و حقوقدانان این کشورها اعطای آزادی مشروط را در چارچوب اقدامات تأمینی و اهداف و مبانی مکاتب دفاع اجتماعی و تحقیقی توجیه می نمایند.

بخش دوم: تاریخچه آزادی مشروط در حقوق ایران

قانونگذار ایران این نهاد را از فرانسه اقتباس کرده است (محمدنژادقادیکلانی، ۱۳۷۶: ۴۱) همچنین فکر اعطای این نهاد حقوقی به محکومین در ایران توسط آقای هدایتی وزیر وقت دادگستری صورت گرفته که یک قدم موثر اصلاحی و نقطه تحویل سیاست جزایی در جهت صیانت جامعه در مقابل جنایت کاران است. (وزیری، ۱۳۳۷: ۸).

بند اول: قبل از انقلاب اسلامی

در سال ۱۳۰۴ که قانون مجازات عمومی به تصویب رسید آزادی مشروط به عنوان یک سیاست جنایی و با هدف پیشگیری از وقوع جرم در قانون ایران لحاظ نگردیده بود. در قانون ایران، ابتدا آزاد شدن محکوم به حبس مشروط بر اینکه در موسسات فلاحی یا صنعتی کار کنند در قانون راجع به وادار نمودن مجرمین غیر سیاسی به کار، مصوب ۱۳۱۴ به تصویب رسید (زراعت، ۱۳۸۵: ۲۵۰) تا اینکه در سال ۱۳۳۷ دولت به علت نبود زندان به تعداد کافی تصمیم به آزادی عده ای از زندانیان گرفت. لذا با تصویب ماده واحده ای از مجلس با ۳ تبصره با عنوان قانون تعلیق مجازات زندانیان باعث خلق این امر گردید. مطابق این ماده واحده کلیه اشخاصی که به علت ارتکاب جنحه و جنایت گرفتار زندان بودند (به استثنای محکومین به قتل عمد و راهزنان و سارقین مسلح) در صورت گذراندن نصف مدت محکومیت در جنحه و دو ثلث آن در جنایت از بقیه مدت مجازات معاف می شدند. لذا با تصویب ماده واحده قانون راجع به آزادی مشروط زندانیان در اسفند ۱۳۳۷ (روزنامه رسمی ش ۴۱۳۱ مورخ ۱۳۳۸/۰۱/۳۰) که مشتمل بر اصل ماده و ۹ تبصره بود اصلاحاتی را صورت داد که شرایط و تشریفات اعطای آزادی مشروط را معین و نحوه اعمال آن را توسط دادگاه

مشخص نمود که در مورد جنحه با گذشت نصف از مجازات حبس و در مورد جنایت با گذشت دو ثلث از مجازات، مشروط بر اینکه شخص برای بار اول محکوم به حبس شده باشد، مشمول آزادی مشروط قرار می گرفت. ماده ۴۰ قانون سابق راجع به مجازات اسلامی با قبول کلیات ماده واحده، آزادی مشروط را منحصر به مجازات حبس تعزیری کرد. (نوربها، ۱۳۸۹: ۴۳۱)

بند دوم: بعد از انقلاب اسلامی

در سال ۱۳۶۱ این ماده واحده تغییر یافته و به ماده ۳۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۶۱ مبدل شد و در نهایت این ماده به مواد ۳۸ و ۳۹ و ۴۰ در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ تغییر یافت. و در نهایت، مقررات آزادی مشروط در سال ۱۳۹۲ با تصویب قانون جدید دچار تحول گردید که در فصل هشتم این قانون با تغییرات عمده و در ۶ ماده مصوب گردید که وجه تمایز آن حذف مراتب تخلف بود که مقرر گردید در مورد محکومیت به حبس تعزیری دادگاه صادر کننده حکم می تواند در مورد محکومان به حبس بیش از ده سال پس از تحمل نصف و در سایر موارد پس از تحمل ثلث مجازات به پیشنهاد دادستان یا قاضی اجرای احکام و با رعایت شرایطی از قبیل نشان دادن حسن اخلاق و رفتار در مدت اجرای مجازات، پیش بینی عدم تکرار جرم در آینده و پرداخت ضرر و زیان ناشی از جرم، برای محکوم علیه امکان استفاده از این ارفاق قانونی فراهم گردید. بنابراین، قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ ضمن پذیرش تاسیس آزادی مشروط و توجه به ضرورت و فواید عملی آن، نه تنها باعث تغییر برخی از مقررات آزادی مشروط زندانیان گردیده و یا آنها را به گونه ای اصلاح نموده است بلکه نهاد جدیدی تحت عنوان «نظام نیمه آزادی» را وارد این قانون نموده است. به موجب ماده ۵۶ قانون مجازات اسلامی «نظام نیمه آزادی شیوه ایست که بر اساس آن محکوم می تواند در زمان اجرای حکم حبس فعالیت های حرفه ای، آموزشی، حرفه آموزی، درمانی و مانند آنها را در خارج از زندان انجام دهد. این فعالیت ها زیر نظر مراکز نیمه آزادی قرار دارد که در سازمان زندان ها و اقدامات تأمینی و تربیتی تأسیس می شود. (شامبیانی، ۱۳۹۲: ۱۷۹).

بخش سوم: مدت و آثار آزادی مشروط

بند اول: مدت آزادی مشروط

مراد از مدت آزادی مشروط، مدت زمانی است که شخص آزاد شده از زندان مکلف به رعایت دستورات صادره از سوی دادگاه می باشد. وقتی که محکوم علیه با رعایت تمامی شرایط برای مدتی به صورت مشروط از زندان آزاد می گردد. سوالی به ذهن خطور می کند که این آزادی برای چه مدتی مشروط است؟ جواب این پرسش در ماده ۵۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ پیش بینی گردیده است. این ماده مدت آزادی مشروط را شامل بقیه مدت مجازات دانسته و انجام هرگونه تغییر در آن را به عهده دادگاه گذاشته است. به موجب این ماده آزادی مشروط نمی تواند کمتر از یک سال و بیشتر از پنج سال باشد جز در مواردی که مدت باقی مانده کمتر از یک سال باشد که در این صورت مدت آزادی مشروط معادل بقیه مدت حبس است. برای نمونه اگر مجازات جرمی سه ماه تا دو سال حبس باشد و قاضی فاعل این جرم را به نه ماه حبس محکوم نماید و محکوم علیه سه ماه از مدت محکومیت خود را تحمل نماید و سپس با استفاده از آزادی مشروط از زندان آزاد گردد در این صورت با وجود اینکه بقیه مدت محکومیت شخص مورد نظر فقط شش ماه بوده است. مع الوصف قاضی می تواند با توجه به قسمت اخیر ماده ۵۹ قانون جدید حکم آزادی مشروط وی را به مدت شش ماه در نظر بگیرد. همچنین قانونگذار در ماده ۶۱ قانون مجازات اسلامی جدید تمدید آزادی مشروط را از یک تا دو سال در صورت عدم تبعیت زندانی از دستورات دادگاه در دوران آزادی مشروط پیش بینی نموده است. (زراعت، ۱۳۹۲: ۲۸۶) از سوی دیگر چنانچه باقی مانده مدت حبس بیشتر از پنج سال باشد در این صورت قاضی نمی تواند برای آزادی مشروط، مدتی بیشتر از پنج سال در نظر بگیرد. مثلاً اگر مجازات جرمی ۲۰ سال حبس باشد و محکوم علیه هم دقیقاً به همین میزان محکوم گردد در این صورت اگر محکوم علیه پس از گذراندن نصف این مدت یعنی ۱۰ سال، با استفاده از آزادی مشروط از زندان آزاد گردد با وجودی که باقی مانده مدت زندان ۱۰ سال است باز هم قاضی نمی تواند برای آزادی مشروط مدتی بیش از پنج سال (صراحت ماده ۵۹) در نظر بگیرد. «در حقوق

فرانسه مدت آزادی مشروط همان مدت باقی مانده مجازات است و تمديد مدت آزادی مشروط تا يك سال بعد از پايان مدت مجازات، تجويز شده است» (زراعت، ۱۳۹۲: ۲۸۶)

بند دوم: آثار قانونی آزادی مشروط

همان گونه که اگر محکوم علیه در این دوران از آزمایشی که قانون برایش در نظر گرفته است سربلند بیرون آید از تحمل مجازات مقرر در حکم معاف می شود. بنابراین محکومیت او زایل نمی گردد و به قوت خود باقی است. یکی از آثار آزادی مشروط این است که اصل مجازات آزادی مشروط به صورت موقت اجرا نمی شود بدین و دارای آثار حقوقی از جمله احتساب برای تکرار جرم و عدم استفاده از تعلیق اجرای مجازات می باشد. (زراعت، ۱۳۹۲: ۲۸۶) در دوره آزمایش، زندانی معمولاً مانند سایر افراد جامعه از آزادی مطلق بر خوردار است. و این در صورتی است که دادگاه در اعطای آزادی مشروط به وی، او را از محدودیت هایی که می تواند اعمال نماید، باز دارد. (باهری، ۱۳۸۱: ۳۵۰) همچنین دادگاه می تواند در صورت لزوم، محکوم علیه را تابع تدابیر نظارتی زیر قرار دهد.

۱- حضور به موقع در زمان و مکان تعیین شده توسط مقام قضایی یا مددکار اجتماعی ناظر

۲- ارائه اطلاعات و اسناد و مدارک تسهیل کننده نظارت بر اجرای تعهدات محکوم برای مددکار اجتماعی

۳- اعلام هرگونه تغییر شغل، اقامتگاه یا جابجایی در مدت کمتر از ۱۵ روز و ارائه گزارش به مددکار اجتماعی و که دادگاه می تواند در جرائم تعزیری تا درجه ۵ در صورت وجود شرایط مراقبتی، محکوم به حبس را با رضایت خودش در محدوده مکانی مشخص شده تحت نظارت سامانه های الکترونیکی قرار دهد. (شامبیاتی، ۱۳۹۲: ۱۹۱)

ضمناً وقتی حکم آزادی مشروط محکوم به حبس توسط دادگاه صلاحیت دار صادر گردید، کفیل می تواند تقاضای فک قرار کفالت و همچنین صاحب وثیقه نیز می تواند تقاضای فک قرار وثیقه را بنماید. همچنین آزادی مشروط هیچ گونه اثری در حقوق خصوصی افراد ندارد

و حتی اگر شخصی در اجرای ماده ۶۹۶ قانون مجازات اسلامی و یا ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی بازداشت شده باشد. حق در خواست آزادی مشروط را نخواهد داشت. چون این حبس ضمانت اجرای پرداخت حقوق خصوصی اشخاص است. (زراعت، ۱۳۹۲: ۲۸۶ و ۲۸۷) از دیگر آثار آزادی مشروط که در ماده ۶۱ قانون مجازات اسلامی جدید بیان گردیده است ممنوعیت محکوم علیه از ارتکاب جرم است. در اینجا قانونگذار مشخص ننموده که صرف ارتکاب جرم توسط آزاد شده باعث فسخ آزادی مشروط می گردد.؟ یا اینکه این امر باید از طریق محاکم بررسی و با صدور حکم قطعی، قابلیت اجرا پیدا کند. بنابراین حتی با صدور کیفر خواست هم نمی توان آزادی مشروط را فسخ نمود چون امکان این که کیفر خواست در شعب کیفری دادگاه ها رد گردد و مورد پذیرش واقع نگردد، وجود دارد. پس فقط با صدور حکم قطعی لازم الاجرا می توان آزادی مشروط را فسخ نمود. اجرای آزادی مشروط در جهت نفع محکوم و جامعه می تواند در بازسازی زندانی تاثیر گذار باشد و با این عمل او را در جهت حضور در جامعه و کانون گرم خانواده اش ترغیب نماید. البته باید در اعطای آن نهایت دقت و مراقبت های کافی را نمود چون دوباره اجتماعی نمودن زندانی از مسائلی است که نشان دهنده بنیاد اساسی حقوق کیفری یا جزاست. (شامبیاتی، ۱۳۹۲: ۱۹۱)

بند سوم: آثار و نتایج آزادی مشروط

آزادی مشروط مقدمه آزادی قطعی زندانی است. در این دوره محکوم علیه موقتاً از تحمل باقیمانده مدت مجازات حبس معاف می گردد. اگر مجازات اصلی دارای آثار تبعی باشد این آثار جریان خواهد داشت و مجازات های تتمیمی مانند اقامت اجباری نیز هم چنان به قوت خود باقی خواهد بود. مدت آزادی مشروط، از تاریخ قطعیت صدور حکم آغاز می شود. بدیهی است که مدت آزاد مشروط، علی القاعده شامل بقیه مدت مجازات خواهد بود. اما در قانون مجازات اسلامی قانون گذار در ماده (۴۰) مدت آزادی مشروط را به تشخیص دادگاه واگذار کرده و مدت آن نیز، نباید از ۱ سال کمتر و از ۵ سال زیادتر باشد. از دیگر آثار آزادی مشروط می تواند این باشد که دادگاه نوعی نظارت بر رفتار فرد زندانی در طول

دوره آزمایشی به عمل خواهد آورد. اگر دادگاه صادر کننده حکم محدودیتهایی را مانند نوبه ای زندانی آزاد شده مراکز تعیین شده و امثال آن را پذیرفته باشد. خود به خود نوعی نظارت بر رفتار زندانی در طول دوره آزمایشی به عمل خواهد آمد. با تقویت اقدامات حمایتی و تمهید سیاست نظارت در این دوره احتمال این که زندانی آزاد شده سربلند از این آزمایش بیرون آید فزونی است. اما بعد از آزادی کامل و قطعی زندانی محکومیت کیفری او کماکان باقی در سجل کیفری او محفوظ خواهد ماند. اگر بعد از آزادی مرتکب جرم دیگری شود در حکم تکرار جرم در مورد او اجرا خواهد شد. (محمدی، ۱۳۹۲: ۵۵). سیاست کیفری آزادی مشروط فرصت و مجالی برای مجرمین به حبس است تا با نشان دادن حسن اخلاق و رفتار خود بتوانند به آزادی مطلق برسند و این باعث می شود مجرم برای بازگشت به اجتماع تا حدی که می تواند دست به جرم دیگری نزنند که این خود باعث اصلاح و انطباق اجتماعی بزهکار می شود. که یکی از اهداف مجازات است که در پی آن مجرم از آسیب های منفی زندان نیز دور می ماند و حتی باعث می شود مجرم برای دستیابی به آزادی مشروط از خود مستمراً حسن اخلاق نشان می دهد که این خود تا حدودی باعث بهبود محیط و رفتار دیگر زندانیان نیز می شود و می تواند با ایجاد راهکارهای جدید در قانون و ایجاد شرایطی برای زندانیان که برای دومین یا سومین بار محکوم به حبس شده با توجه به نوع جرم و شرایط روحی و اخلاقی مجرم، آنها نیز بتوانند از آزادی مشروط استفاده کنند و شاید امیدی هرچند کوچک برای تربیت و بهبود رفتار آنها باشد، اما این شرایط در مورد مجرمینی که از سن پایینی برخوردارند می تواند مؤثر باشد.

بخش چهارم: تفاوت آزادی مشروط با دیگر تأسیسات جزایی مشابه

تأسیس جزایی آزادی مشروط با قواعد جزایی دیگری نظیر تعلیق اجرای مجازات و عفو قضائی نکات مشترک فراوانی داشته و در عین حال از یکدیگر کاملاً متمایز و متفاوت بوده اند و هر کدام نیز آثار خاص خود را به دنبال خواهند داشت. در همین راستا شناخت و تفکیک این قواعد جزایی موضوع مهمی می باشد که در این قسمت سعی می شود به صورت جداگانه مورد بررسی قرار گیرد.

بند اول: آزادی مشروط و تعلیق مجازات

یکی از مهم ترین مباحثی که در خصوص آزادی مشروط مطرح می شود تمایز این تأسیس جزایی با قاعده تعلیق اجرای مجازات می باشد که ممکن است عده ای این دو قاعده جزایی را یکی پنداشته و شرایط و آثار آن را نیز همسان هم بدانند. این دو قاعده اگر چه موجب معافیت محکومان به حبس از مجازات می شود ولی با هم متفاوت بوده و آثار مختلفی را به دنبال خواهند داشت. در ذیل چند تفاوت مهم مورد اشاره قرار می گیرد؛

۱_ اساسی ترین وجه تمایز بین آزادی مشروط و تعلیق مجازات اجرای قسمتی از مجازات در آزادی مشروط و عدم رفع اثر از سجل کیفری مجرم در این قاعده جزایی می باشد. در حالی که در تعلیق اجرای مجازات محکوم به طور کلی از مجازات برای مدت زمانی معین معاف خواهد بود.

۲_ قرار تعلیق اجرای مجازات ضمن حکم محکومیت و به صورت قرار صادر خواهد شد، در حالی که در آزادی مشروط پس از قطعی شدن حکم و گذراندن نیمی از مجازات حبس، محکوم با شرایطی می تواند از تحمل مابقی مجازات معاف گردد. ۱

۳_ صدور قرار تعلیق اجرای مجازات با دادگاه بوده و مقامات رسمی دیگری در آن دخالت ندارند، در حالی که آزادی مشروط با پیشنهاد سازمان زندان ها و با تأیید دادستان یا دادیار ناظر زندان در نهایت با دادگاه خواهد بود.

۴_ مدت آزادی مشروط با رعایت شرایط دادگاه کمتر از یکسال و بیشتر از پنج سال نخواهد بود، در حالی که این مدت در تعلیق اجرای مجازات دو تا پنج سال است.

۵_ صدور قرار تعلیق اجرای مجازات نسبت به آن دسته از مجرمانی که یکی از جرائم مذکور در ماده ۳۰ ق.م.ا را داشته باشند اساساً منتفی و غیر قابل اجراست، در حالی که چنین

محدودیتی با توجه به اطلاق ماده ۳۸ ق.م.ا وجود نداشته و هر کس برای مرتبه اول به مجازات حبس محکوم شود می تواند با رعایت شرایطی از آزادی مشروط استفاده نماید.

بند دوم: آزادی مشروط و عفو قضائی

یکی دیگر از نهادهای جزایی که در جهت حمایت از محکومان ایجاد شده است، عفو محکومان از مجازات می باشد. عفو در لغت به معنای مغفرت، آمرزیدن، گذشت، ساقط کردن عذاب معروف و احسان خواستن و بخشایش آمده است. (معین، ۱۳۶۹: ۱۸۲) در اصطلاح حقوق کیفری داخلی عفو اقدامی است که توسط مجالس قانونگذاری نظیر مجلس شورای اسلامی یا توسط افرادی خاص نظیر مقام رهبری با توجه به مصالح و مقتضیات زمانی و یا شرایط دیگر ممکن است اعطاء گردد. به طور کلی عفو به دو بخش عمومی و خصوصی تقسیم می شود. عفو خصوصی پس از رعایت شرایط قانونی با پیشنهاد رئیس قوه قضائیه و تأیید مقام رهبری نسبت به برخی از محکومان که اغلب جرائم غیر عمد و مالی را تشکیل می دهند اعطاء می گردد. مستند قانونی این نوع عفو بند ۱۱ اصل ۱۱۰ قانون اساسی و ماده ۲۴ قانون مجازات اسلامی می باشد که پذیرش یا رد آن از اختیارات مقام رهبری می باشد. عفو عمومی نیز نوع دیگر عفو بوده که از اختیارات قوه مقننه می باشد. در این نوع از عفو در صورت اقتضای مصلحت و منافع جامعه قانونگذار می تواند به موجب وضع قانون تعقیب پاره ای از متهمان را منع نماید و یا در صورت شروع به تعقیب یا محکومیت ادامه آن را زایل نماید. در قانون اساسی و سایر قوانین در خصوص این اختیار به مجلس جهت عفو مقرر شده است. در قانون اساسی و سایر قوانین در خصوص این اختیار به مجلس جهت عفو مقرر شده است. با این حال با توجه به صلاحیت عام مجلس در وضع قوانین و مقررات مجلس می تواند نسبت به مسائل عام از جمله عفو اقدام نماید. صلاحیت و اختیار مجلس در وضع

۱. اصل ۷۱ و ۷۲ قانون اساسی

۲. قانون عفو و منع تعقیب دارندگان اسلحه غیرمجاز مصوب ۱۳۶۲/۱/۱۶

قوانین می بایستی منطبق با احکام اسلام و قانون اساسی باشد. بر این اساس از جمله تفاوت های نهادهای جزایی آزادی مشروط با عفو را می توان موارد ذیل بر شمرد؛

۱ _ عفو خصوصی از اختیارات مقام رهبری و عفو عمومی به موجب قانون می باشد، در حالیکه آزادی مشروط از اختیارات دادگاه صادر کننده حکم قطعی می باشد.

۲ _ عفو شامل تمامی مجازات از جمله حبس، جزای نقدی، تبعید، شلاق و... می شود، در حالیکه آزادی مشروط تنها در مجازات حبس قابل اعمال می باشد.

۳ _ عفو عمومی در صورت تصویب بر خلاف سایر قوانین نسبت به گذشته اثر دارد و نه آینده، در حالیکه آزادی مشروط نسبت به آینده موثر است و شامل محکومان قبلی که مجازات خود را گذرانده اند نمی شود.

۴ _ عفو عمومی یا خصوصی پس از اعطاء قابل نقض و تجدیدنظر نمی باشد، در حالیکه در آزادی مشروط محکوم علیه در صورت عدم رعایت دستورات دادگاه مجدداً روانه زندان خواهد شد.

۵ _ در عفو ممکن است هیچ قسمت از مجازات اجرا نشده باشد و محکومان بتوانند از این تأسیس جزایی استفاده نمایند، در حالیکه در آزادی مشروط لزوماً نصف مدت مجازات حبس بایستی سپری شود.

۶ _ عفو خصوصی و بعضی مواقع عفو عمومی تحت تاثیر برخی از مناسبت های اجتماعی اعطاء می گردد، در حالیکه اعطای آزادی مشروط منوط به وجود مناسبت خاصی نیست.

بخش پنجم: شرایط اعطای آزادی مشروط

طبق ماده ۵۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ «در مورد محکومیت به حبس تعزیری دادگاه صادر کننده حکم می تواند در مورد محکومان به حبس بیش از ۱۰ سال پس از تحمل نصف مجازات و در سایر موارد پس از تحمل ثلث مجازات به پیشنهاد قاضی اجرای احکام با رعایت شرایط ذیل حکم به آزادی مشروط صادر نماید.» بنابراین آزادی محکوم علیه از زندان وقتی قطعیت پیدا می کند که محکوم علیه جزائی در دوران آزادی بتواند با ابراز حسن رفتار و اخلاق و تبعیت از دستورات دادگاه، عملاً وفاداری خود را به تبعیت از محدودیتهایی که دادگاه در حکم آزادی مشروط معین کرده است، به اثبات برساند همچنین مرتکب جرم جدیدی نشود در غیر این صورت حکم آزادی مشروط لغو و محکوم به زندان فرستاده خواهد شد. (ولیدی، ۱۳۷۵: ۲۰۱) اعطای آزادی مشروط، محکوم علیه را از تحمیل مجازات حبس رها نموده و این شامل مجازاتهای تبعی و تتمیمی نخواهد بود و این مجازاتها جریان خواهد داشت. (یوسف پناه و احمدی، ۴۶، ۱۳۹۰) شرایط اعطای آزادی مشروط به دو دسته شرایط ماهوی و شکلی تقسیم می شود که در ذیل مورد بررسی قرار می گیرد.

بند اول: شرایط ماهوی آزادی مشروط

اعطای آزادی مشروط در اختیار قاضی دادگاه است اما این اختیار منوط به شرایطی بوده که در قانون پیش بینی شده باشد و در این صورت است که می تواند مورد استفاده واقع شود. لذا برخی از این شرایط مثبت هستند مانند جبران ضرر و زیان ناشی از جرم و برخی از آنها منفی هستند مانند محرومیت از حقوق اجتماعی. بنابراین عدم ذکر شرایط آزادی مشروط و ضمانت اجرای آن و همچنین عدم رعایت مقررات قانونی آن باعث عدم اعتبار حکم آزادی مشروط می گردد اما تا وقتی که دادگاه آن را لغو ننموده، این نهاد به قوت خود باقی است. برابر ماده ۳۸ اصلاحی ق.م.ا. مصوب ۱۳۷۷/۲/۲۷ مجلس شورای اسلامی صدور حکم آزادی مشروط در صلاحیت دادگاه صادر کننده دادنامه محکومیت قطعی است که می تواند در صورت وجود شرایطی حکم به آزادی مشروط صادر نماید چنانچه حکم دادگاههای عمومی و انقلاب مورد اعتراض و تجدید نظر قرار گیرد، در صورتیکه آن حکم عیناً تایید

گردد، دادگاه صادر کننده دنامه محکومیت قطعی و در نتیجه صالح برای اعطای آزادی مشروط همان دادگاههای عمومی و انقلاب است. ولی چنانچه حکم دادگاههای عمومی و انقلاب با اصلاحات و یا تغییراتی در مرجع تجدید نظر، مورد تجدید نظر قرار گرفته باشد، دادگاه صلاحیتدار برای اعطای آزادی مشروط منوط است به تأیید رئیس زندان محل گذران محکومیت و قاضی ناظر زندان یا رئیس حوزه قضائی محل. به علاوه در مورد پرداخت یا قرار پرداخت ضرر و زیان مورد حکم دادگاه (یا مورد موافقت مدعی خصوصی) در حد استطاعت، همچنین پرداخت جزای نقدی و یا ترتیب پرداخت آن با موافقت رئیس حوزه قضایی (در مورد حبس توأم با جزای نقدی) تأیید قاضی مجری حکم الزامی است. برابر تبصره ۲ ماده ۳۸ قانون اصلاحی مورد بحث، در صورت انحلال دادگاه صادر کننده حکم، صدور حکم آزادی مشروط از اختیارات دادگاه جانشین است. برای اعطای آزادی مشروط باید شرایطی جمع باشد:

۱- محکومیت به مجازات حبس برای اولین بار. فقدان سابقه محکومیت کیفری با مراجعه به وسایق و پیشینه کیفری محکوم علیه قابل احراز است.

۲- تحمّل نصف مدّت محکومیت به حبس

۳- نشان دادن حسن اخلاق مستمراً در طول مدت اجرای مجازات حبس.

۴- پیش بینی عدم ارتکاب جرم از سوی محکوم علیه پس از آزادی با توجه به اوضاع و احوال زندانی.

۵- پرداخت ضرر زیان مدعی خصوصی یا جزای نقدی یا قرار پرداخت آنها.

۶- مدت آزادی مشروط اصولاً شامل بقیه مدت مجازات است ولی دادگاه می تواند مدت آن را تغییر دهد و در هر حال در اجرای م ۴۰ ق.م.ا کمتر از یک سال و زیادتراً پنج سال نخواهد بود مگر اینکه بقیه مدت حبس کمتر از یک سال باشد که در این صورت مدت آزادی مشروط، معمولاً برابر بقیه مدت حبس است.

بند دوم : شرایط مربوط به مجازات

شرایط مربوط به مجازات یکی از شرایط ماهوی آزادی مشروط بوده که عبارتند از:

۱- اجرای قسمتی از مجازات حبس ۲- تعزیری بودن حبس

۱- اجرای قسمتی از مجازات حبس

از دیگر شرایط اعطای آزادی مشروط گذراندن قسمتی از دوران محکومیت می باشد بنابراین تا زمانی که محکوم میزان مقرر محکومیت خود را در زندان سپری نکرده باشد حق استفاده از آزادی مشروط را نخواهد داشت. علت این امر آن است که مجرم می بایست مدتی را در زندان گذرانده و حداقل بطور نسبی اصلاح شده باشد تا بتواند از آن برخوردار شود و فقط در این زمان است که می توان تشخیص داد که مجازات مقرر در مورد او مؤثر بوده یا خیر. مطابق ماده ۳۹ قانون راجع به مجازات مصوب ۱۳۶۱ اعطای آزادی مشروط تنها در صورتی ممکن بود که محکوم به مجازات حبس حداقل نصف مدت آن را تحمل می کرد اما مقنن در ماده ۳۸ قانون راجع به مجازات مصوب ۱۳۷۰ قائل به تفکیک شده و محکومیت تا ۳ سال حبس را با تحمل نصف مدت مجازات و بیشتر از آن را پس از تحمل دو ثلث پذیرفته که در اصلاحیه سال ۱۳۷۷ برای تمام موارد نصف مجازات در نظر گرفته شد. در قانون جدید به موجب ماده ۵۸ شرط اعطای آزادی مشروط گذراندن نصف مدت دوران محکومیت در جرایمی که کیفر قانونی آنان بیش از ۱۰ سال حبس تعزیری و ثلث آن در سایر موارد در نظر گرفته شده که قبل از انقضاء مواعد ذکر شده امکان استفاده از این امتیاز وجود ندارد. چنان که برخی مولفین نوشته اند استفاده از آزادی مشروط برای جرایم شدیدتر باید سخت تر باشد و از این جهت در نظر گرفتن مدت یکسان برای تمام جرایم منطقی نیست. (زراعت، ۱۳۹۲: ۲۸۴) دلیل این که شخص باید مدتی از حبس را گذرانده باشد این است که قانونگذار از نظر اصلاح نسبی و امکان آزادی مشروط زندانی، حداقل مدتی را برای توقف او در زندان ضروری می شناسد (صانعی، ۱۳۵۲: ۳۰۵) با این وصف اگر شخصی به مجازات حبس ابد محکوم گردد باید چه مدتی را در حبس بگذراند تا از آزادی مشروط برخوردار گردد ؟ به

نظر عده ای، مقررات آزادی مشروط شامل محکومین به حبس ابد نمی شود زیرا که نصف یا ثلث حبس ابد معلوم نیست تا با سپری شدن آن بتوان آزادی مشروط را اعطا کرد حتی اگر حبس ابد به حبس موقت تبدیل شده باشد. اداره حقوقی قوه قضائیه در نظریه مشورتی شماره ۷/۳۵۴۴ مورخ ۱۳۷۹/۰۴/۱۸ اعلام داشته است: «چنان چه حکم اولیه دادگاه، مجازات اعدام بوده باشد و به لحاظ عفو به حبس ابد تبدیل و سپس به پانزده سال حبس تعدیل یافته باشد، مشمول مقررات آزادی مشروط نیست». (زراعت، ۱۳۹۲: ۲۸۴) نظر دیگر این است که گرچه در قانون مجازات اسلامی اشاره ای به این مطلب نشده اما در تبصره یک ماده واحده قانون راجع به آزادی مشروط زندانیان مصوب ۱۳۳۷ این مسئله، مورد توجه قرار گرفته بود «محکومین به حبس دائم پس از گذران ۱۲ سال ممکن است از آزادی مشروط استفاده نمایند». (شامیاتی، ۱۳۷۲: ۴۶۴) با استناد به ماده واحده مزبور و سکوت قانونگذار در قوانین بعدی، دلیلی بر نسخ آن وجود ندارد و سپری نمودن ۱۲ سال از مدت حبس شرط استفاده از این نهاد حقوقی برای محکومان به حبس ابد می باشد (اردبیلی، ۱۳۸۰، ص ۲۵۱). این گروه ممکن است ماده ۷۲۸ قانون سابق را که مقرر می داشت «سایر قوانین مغایر از تاریخ لازم الاجرا شدن این قانون نسخ می گردد» را اینطور تفسیر نمایند که قانون مجازات اسلامی نسبت به حبس ابد تنها سکوت نموده و ملغی نشده است. بنابراین در این زمینه مغایرتی میان قانون مجازات اسلامی با قانون راجع به آزادی مشروط زندانیان نیست. این دیدگاه با فلسفه آزادی مشروط نیز سازگارتر است چون وقتی که با تحمل مقداری از حبس در زندان، مشخص گردد که ادامه محکومیت تا پایان عمر هیچگونه نفعی نداشته و باعث تاثیر بیشتر در زندانی نمی گردد. حال چگونه می توان استمرار آن را توجیه نمود. (زراعت، ۱۳۹۲، ۲۸۵) البته، اداره حقوقی در نظریات متعدد اعلام کرده که حبس دائم حتی پس از عفو و تبدیل مجازات از شمول آزادی مشروط خارج است ۱

۱. (نظریه شماره ۷/۱۴۴۵-۷/۲۵-۱۳۷۲ و ۷/۵۰۷۶-۸/۹-۱۳۷۸ و ۷/۳۲۰۹-۱۱/۵-۱۳۷۸ به نقل از: گلدوزیان، ۱۳۸۶،

۲- تعزیری بودن حبس

ماده ۳۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ محکومین به مجازات حبس را مشمول مقررات آزادی مشروط می دانست. در این ماده عبارت « مجازات حبس » بطور مطلق و بدون هرگونه قیدی به کار رفته بود. همین اطلاق سبب شده که عده ای تصور کنند که کلیه حبس ها اعم از تعزیری، بازدارنده و حبس های حدی ممکن است مشمول آزادی مشروط شوند. این تصور با مقایسه مفاد این ماده با مفاد ماده ۳۹ قانون راجع به مجازات اسلامی ۱۳۶۱ بیشتر تقویت می شد. زیرا ماده مزبور به مجازات حبس نه به طور مطلق، بلکه مقید به کلمه « تعزیری » اشاره نموده بود و اشعار می داشت: « هرکس برای مرتبه اول به علت جرمی به مجازات حبس تعزیری محکوم شود... » از همین رو حذف قید مزبور در ماده ۳۸ قانون مجازات اسلامی و متن اصلاحی آن در سال ۱۳۷۷ این فرصت را به حقوقدانان اعطا کرد که کلیه حبس ها اعم از تعزیری، بازدارنده و حبس های از باب حدود را مشمول آزادی مشروط بدانند. به عبارت دیگر دلیل اعتقاد این عده به شمول این نهاد به کلیه حبس ها، اصل عدم انجام عمل لغو توسط قانونگذار است و حتما مقنن از حذف این قید منظوری داشته است. لیکن چنانکه برخی نویسندگان اشاره داشته اند پذیرفتن این مساله نیز خالی از اشکال نبود. چه طبق تعریف قانون مجازات اسلامی، حدود مجازات هایی هستند که نوع، میزان و کیفیت آنها در شرع اسلام تعیین شده است. بنابراین با وجود چنین تعریفی از حدود در قانون بعید است که بتوان قلمرو اعمال آزادی مشروط را به مجازات های حبس از باب حدود نیز تسری داد. (آقامجیدی، ۱۳۷۶: ۲۲) در این زمینه از اداره حقوقی دادگستری نیز استعلام شده است و پاسخ مربوط حاکی از عدم شمول آزادی مشروط در مورد حبس های از باب حدود بوده است. (نوربها، ۱۳۸۹: ۴۵۷ و ولیدی، ۱۳۷۵: ۲۰۴) ماده ۵۸ قانون جدید به این اختلاف نظر، پایان داد. به موجب ماده مزبور تنها کسی می تواند از امتیاز اعطای آزادی مشروط استفاده نماید که به مجازات حبس تعزیری محکوم شده باشد بنابراین آزادی مشروط تنها در مورد مجازات حبس و آن هم از نوع حبس تعزیری قابل اعمال است لذا سایر اقسام مجازات ها نیز نظیر شلاق، جزای نقدی، اقامت اجباری و امثالهم مشمول مقررات اعطای آزادی مشروط واقع نمی گردند. در ضمن زندانهای حدی نظیر مجازات حبس ابد برای مجرم محاربه نیز

مشمول آزادی مشروط قرار نمی گیرد. به این دلیل که مجازات حدی، از طرف قاضی قابل دخل و تصرف نیست و کم و کیف آن توسط شرع معین شده است. قانونگذار در قانون مجازات اسلامی جدید این محدودیت را نسبت به قوانین گذشته لحاظ نموده یعنی استفاده از محکومیت حبس تعزیری به جای حبس، که در این صورت کلیه محکومین به مجازاتهای حدود و قصاص و دیات و حتی بازدارنده را از شمول این ماده مستثنی نموده است بنابراین فقط مجرمینی که به مجازات حبس تعزیری محکوم گردیده باشند می توانند از آزادی مشروط برخوردار گردند پس محکومینی که در گذشته با ارتکاب حبس غیر تعزیری از آزادی مشروط استفاده نموده اند نمی توانند با تغییر این عنوان دوباره از این امتیاز استفاده نمایند. منظور قانونگذار از حبس تعزیری در ماده ۵۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، حبس به عنوان مجازات اصلی بوده و حبس بدل از جزای نقدی باعث عدم استفاده از آزادی مشروط نمی شود. همچنین چنانچه تبعید به حبس تبدیل گردد حبس مزبور مجازات اصلی نیست بلکه کیفری تتمیمی است.

بند سوم: شرایط مربوط به محکوم علیه

شرایط مربوط به محکوم علیه از دیگر شرایط ماهوی آزادی مشروط بوده که این شرایط عبارتند از: ۱- حسن اخلاق و رفتار توسط محکوم ۲- پرداخت ضرر و زیان مدعی خصوصی ۳- شرط عدم تکرار ۴- عدم استفاده از آزادی مشروط در گذشته

الف: حسن اخلاق و رفتار

این شرط از اصلی ترین شروطی بوده که با تغییرات مختلفی که در سالهای قبل در قانون مجازات اسلامی صورت گرفته، دستخوش تغییر قرار نگرفت. بدلیل اینکه آزادی مشروط تنها در خصوص کسانی است که اصلاح شده و قابلیت برگشت به اجتماع را داشته باشند. از نظر مقنن نشان دادن حسن اخلاق و رفتار اماره ایست بر اصلاح مجرم و در نتیجه دیگر نیازی به ادامه مجازات وی نیست هرچند که نمی توان گفت نشان دادن حسن اخلاق و رفتار محکوم علیه در مدت گذراندن محکومیتش در زندان دلیل محکمی بر اصلاح اوست زیرا

این امر می تواند نوعی تظاهر برای فریب باشد اما با در نظر گرفتن اصل صحت، نشان دادن حسن اخلاق و رفتار دلیل نسبی اصلاح وی تلقی می گردد هر چند که قانونگذار در این زمینه ضابطه ای برای تشخیص بدست نیاورده است لذا برای تشخیص اینکه متهم اصلاح شده و اعطای آزادی مشروط درست بوده یا خیر نباید تنها به گزارشات زندان اکتفا نمود (صانعی، ۱۳۵۲: ۳۰۶) بلکه در این زمینه نیاز است که مراتب از طریق کارشناسان و مسئولان با بررسی گزارشات و کنترل رفتار زندانی مورد مطالعه قرار گرفته تا به نتیجه رسید. اگر قرار باشد آزادی مشروط به عنوان یک ارفاق برای برخی زندانیان در نظر گرفته شود، کسانی که در مقایسه با سایرین رفتار بهتر و شایسته تری در طول مجازات حبس از خود نشان داده اند و بارقه های اصلاح و باز سازی رفتار در آنها بیشتر به چشم می آید برای برخورداری از این نهاد در اولویت قرار خواهند داشت. و کسانی که در حین تحمل این مجازات همواره رفتار ناشایستی داشته، و با زندانیان و مقامات مسئول در زندان بد رفتاری نموده و با خشونت و رفتاری توهین آمیز برخورد کرده اند شایسته ارفاق و آزادی پیش از موعد نخواهند بود چراکه اینان اصلاح نشدند و عملکردشان قرینه ای بر عدم تاثیر مجازات مذکور بر اخلاق و رفتار آنهاست بنابراین آزادی پیش از موعد آنها نه تنها مفید نبوده بلکه ممکن است تهدیدی برای امنیت جامعه بشمار رود. خوش رفتاری و حسن سلوک زندانی که می تواند قرینه ای بر اصلاح وی و تأثیر مثبت مجازات زندان بر او باشد. پیش از بکار گرفتن نهاد آزادی مشروط به شکل حاضر، یکی از شرایط اصلی و مهم آزادی زودرس به شمار می رفته است چنان که بن ویل دو مار سنگی پیشنهاداتی به قانونگذار در زمینه نحوه اجرا و مدت مجازات سالب آزادی ارائه داده که از جمله این پیشنهاد آزادی زودرس به لحاظ حسن رفتار زندانی است وی به دنبال این پیشنهاد اضافه کرده که منظور از آزادی زودرس حقی است که قانون به اداره زندانها تفویض می کند تا با نظر مرجع قضایی، محکومی را که اصلاح شده و مدتی کافی از محکومیتش را سپری نموده، تحت شرایطی موقتاً آزاد نماید. (پرادل، ۱۳۷۳: ۷۷) این شرط هنوز هم در اکثر موارد اعطای آزادی مشروط، شرطی اساسی به شمار می رود. چراکه از یک سو محکومی که با طی قسمتی از مجازات به اندازه کافی از آن تاثیر گرفته و اصلاح گردیده است می توان به او اعتماد نمود و از سوی دیگر ادامه اجرای مجازات

حبس در مورد وی ثمر نخواهد داشت. در این صورت اعطای آزادی مشروط به وی نه تنها باعث آمادگی بیشتر این فرد برای شروع مجدد زندگی در جامعه خواهد بود بلکه می تواند انگیزه ای برای سایر زندانیان در جهت تلاش برای اصلاح خود و همچنین برقراری نظم زندان خواهد شد. قانونگذار ایران در بند الف ماده ۵۸ به این مسئله توجه نموده است. چنانکه ملاحظه می شود استمرار حسن اخلاق و رفتار یکی از شرایط اعطای آزادی مشروط بوده که ماده فوق دلیل قانونی لزوم این شرط است. اخلاق نیکو صفتی اکتسابی است اما اکتساب آن چندان هم آسان نیست که بتوان در مدت کوتاه حبس به آن دست یافت اما همین اندازه که محکوم علیه در این مدت متحمل سختی می شود و تجربه مثبت می آموزد ارزشمند است و این امر زمینه ای برای زندگی مناسب او در آینده خواهد بود (زراعت، ۱۳۹۲: ۲۸۲).

استمرار حسن اخلاق در قانون از این جهت پیش بینی گردیده است تا اطمینان بر اصلاح مجرم حاصل گردد. (نوربها، ۱۳۸۹: ۴۳۴) یکی از شرایط مربوط به محکوم علیه جزایی اینست که زندانی در دوران محکومیت خود در زندان مستمرا از خود حسن اخلاق نشان دهد بدیهی است که احراز این شرط بر عهده مسئولان زندان و دادیار ناظر زندان است برای اطمینان بهتر است که با استفاده از نظریات مددکاران اجتماعی و متخصصان امور روانی و اجتماعی که بطور مستقیم یا غیر مستقیم، اعمال و رفتار زندانی را کنترل می نمایند در این مورد اقدام لازم بعمل آورند. (ولیدی، ۱۳۷۵: ۲۰۵) این روش از نظر قانونگذار به معنای اصلاح محکوم تلقی شده و او را مستحق استفاده از آزادی مشروط می دارد معیار سنجش حسن اخلاق و رفتار در قانون مشخص نشده است و به نظر می رسد رعایت مقررات زندان ملاک تشخیص حسن اخلاق از ضد اخلاق باشد پس اصلح است که عده ای از افراد متخصص و آگاه به امور اجتماعی، روانی و کارشناسان فنی حالات و سکنات مجرم را تحت نظر قرار داده و شکل تحولات شخصیت زندانی را بررسی نموده و هنگامی که شخص واقعاً اصلاح شده است این امتیاز را به او اعطا نمود. نکته پایانی اینکه در قانون مجازات اسلامی معیار سنجش حسن اخلاق مشخص نگردیده است و بنظر می رسد رعایت مقررات زندان، ملاک تشخیص حسن اخلاق از ضد اخلاق باشد بنابراین بهتر است که از افراد متخصص و آگاه به امور روانی و اجتماعی در سنجش حالات و سکنات مجرم استفاده نمود تا بتوان

شکل تحولات شخصیت زندانی را بررسی نمود و زمانی که این اطمینان حاصل گردید که زندانی واقعا اصلاح شده است نسبت به اعطای آزادی مشروط به وی اقدام کرد. (شامبیاتی، ۱۳۹۲: ۱۸۷)

ب: پرداخت ضرر و زیان مدعی خصوصی

یکی دیگر از شرایط اعطای آزادی مشروط، پرداخت ضرر و زیان ناشی از جرم است. البته ممکن است زندانی متقاضی آزادی، تنها ترتیب پرداخت این موارد را داده باشد که در آن صورت امکان اعطای آزادی مشروط وجود خواهد داشت. علت در نظر گرفتن این شرط به عنوان یکی از شرایط اعطای آزادی مشروط، این است که می تواند قرینه ای بر اصلاح محکوم علیه باشد. همچنین باید گفت کسی که از آزادی مشروط به عنوان یک ارفاق بر خوردار می شود، باید از جهات مختلف شایستگی استفاده از آن را داشته باشد. پس باید علاوه بر داشتن حسن اخلاق و رفتار، نشان دهد که از عملکرد خود نادم گشته و تلاش نماید حتی الامکان در جهت جبران صدمات و خسارات وارده برآید. (صانعی، ۱۳۸۹: ۳۰۷) مطابق بند پ ماده ۵۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ یکی از شرایط اعطای آزادی مشروط به زندانی این است که وی باید تا آنجا که استطاعت دارد ضرر و زبانی را که مورد حکم دادگاه یا مورد موافقت مدعی خصوصی را بپردازد یا قراری برای پرداخت آن ترتیب دهد. بنابراین آنچه مسلم است اینکه، ضرر و زیان ناشی از جرمی که منجر به صدور حکم محکومیت به حبس برای مرتکب آن شده، باید به طریقی جبران گردد و یا دست کم ترتیبی برای جبران آن داده شود خواه میزان این ضرر و زیان از طرف دادگاه مورد حکم واقع شده باشد، خواه تعیین آن با موافقت مدعی خصوصی صورت گرفته باشد که در هر صورت در قانون جدید تشخیص این امر به عهده دادگاه می باشد. علت پیش بینی این شرط، گذشته از نکاتی که اشاره شد این است که اصولا جرایم علاوه بر حیثیت عمومی، از جهت حیثیت خصوصی و ضرر و زبانی که به شاکی یا مدعی خصوصی وارد می کند حایز اهمیت بوده و مورد حمایت قانونگذار قرار می گیرد (ولیدی، ۱۳۷۵: ۲۰۶). به عنوان مثال، اگر شخصی به جرم صدور چک بلامحل محکوم شده باشد اعطای آزادی مشروط باید منوط به این باشد که

وجه چک رابه شاکی پرداخت نماید. نکته قابل توجه اینکه قانونگذار در این قسمت علاوه بر اینکه محکوم علیه را مکلف به پرداخت یا تعهد به پرداخت ضرر و زیان مورد حکم نموده، خسارات و ضرر و زیانی را که تنها مورد موافقت مدعی خصوصی بوده در عرض خسارات منظور در حکم دادگاه و مانند آن قرار داده است. (سلیمان یزدی، ۱۳۵۴ : ۱۱۲و ۱۱۳) مطلب دیگر اینکه قانون در بند مزبور با استفاده از عبارت « تا آنجا که استطاعت دارد » در واقع با نظر ارفاقی با محکوم برخورد نموده است تا اعطای آزادی مشروط کمتر با مشکل مواجه گردد (نوربها: ۹۹ و ۱۰۰) لذا عدم استطاعت مالی مانع اعطای آن نخواهد شد. همچنین عدم گذشت یا رضایت شاکی یا مدعی خصوصی در صورت تعهد به پرداخت از سوی محکوم علیه و نیز اعسار از پرداخت ضرر و زیان، مانع اعطای آزادی مشروط نخواهد شد قانونگذار در قانون مجازات اسلامی جدید در این خصوص تغییراتی داشته از جمله افزودن کلمه « به تشخیص دادگاه » در پرداخت ضرر و زیان مورد حکم و موافقت مدعی خصوصی که بنظر میرسد در گذشته پرداخت ضرر و زیان یا قرار پرداخت جزء مسائلی بود که بدون دخالت دادگاه و با توافق متهم و متضرر صورت میگرفت و مرجعی که تعیین کننده این استطاعت مالی باشد وجود نداشت و این مطلب موجب بروز اختلاف یا سوء استفاده قرار می گرفت. لذا هم متهم از استفاده از این امتیاز محروم می شد و هم متضرر به حق و حقوق قانونی خود در کوتاه مدت دست می یافت پس نیاز بود تا با اصلاح این بند که دادگاه تشخیص این موضوع را تعیین نماید مشکلات موجود به نوعی مرتفع گردد البته قانونگذار قسمت دوم این بند را که مربوط به پرداخت در مجازات حبس توام با جزای نقدی بوده را حذف نموده است که با عنایت به حذف آن در قانون جدید نیازی به تفسیر آن نمی رود. البته جلب رضایت مدعی خصوصی قانوناً شرط اعطای آزادی مشروط نیست البته معمولاً دادگاه ها در پرونده هایی که شاکی دارد در صورت عدم جلب رضایت شاکی و یا عدم پرداخت ضرر و زیان، حکم به رد درخواست آزادی مشروط می دهند. (گلدوزیان، ۱۳۸۲: ۴۰۹) اما ضرر و زیان مدعی خصوصی از مصادیق الزامات مالی است که بزهکار مکلف

است برای پرداخت آن اقدامی نماید لیکن جزای نقدی قابل مصالحه نیست ولی محکوم علیه می تواند با موافقت دادستان قراری برای پرداخت آن بگذارد (نجارزاده، ۱۳۸۵: ۹) قانون مجازات اسلامی در این بند با استعمال جمله « تا آنجا که استطاعت دارد » قصد داشته با نظر ارفاقی با محکوم علیه برخورد کند تا آزادی مشروط دچار اشکال نگردد (نوربها، ۱۳۷۷: ۴۶) ضرر و زیان ناشی از جرم، حق مدعی خصوصی است او این حق را دارد که از آن بگذرد یا با محکوم علیه مصالحه نماید اما جزای نقدی قابل مصالحه نیست پس منظور از دادن ترتیبی برای پرداخت آن، روشن نیست زیرا این عبارت ظهور در پرداخت جزای نقدی به صورت اقساط دارد که عملی بودن آن ممکن نیست (، زراعت، ۱۳۸۵: ۲۵۱) فلسفه واقعی اعطای آزادی مشروط آزاد نمودن محکوم علیه اصلاح شده و متنبه از زندان است پس عدم پرداخت جزای نقدی نباید مانع استفاده از آزادی مشروط تلقی گردد البته نظریه مشورتی شماره ۷/۶۲۲۰ مورخ ۱۳۶۵/۱۰/۳۰ عنوان داشته که رضایت مدعی خصوصی از شرایط استفاده محکوم از آزادی مشروط نیست بنابراین محکوم می تواند با رعایت قوانین و مقررات از آزادی مشروط استفاده نماید. پرداخت ضرر و زیان ناشی از جرم زمانی تحقق پیدا می کند که دادگاه علاوه بر محکومیت کیفری، حکم به پرداخت ضرر و زیان نیز داده باشد (زراعت، ۱۳۸۵: ۲۵۱)

ج: شرط عدم تکرار

یکی دیگر از شروط آزادی مشروط آن است که اطمینان حاصل شود که محکوم پس از آزادی، مجدداً مرتکب جرمی نخواهد شد. این شرط در بند ۲ ماده ۳۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ پیش بینی شد. که در بند ب ماده ۵۸ قانون جدید نیز همین امر مورد پذیرش قانونگذار قرار گرفته است. بند ب ماده مزبور مقرر می دارد. « حالات و رفتار محکوم نشان دهد که پس از آزادی دیگر مرتکب جرمی نمی شود. » شایان ذکر است که قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵، بحث مجازات حبس توأم با جزای نقدی را مطرح نموده و اعطای آزادی مشروط را منوط به پرداخت مبلغ مزبور نموده بود ولی در قانون جدید چنین امری پیش بینی نشده است و با حذف آن در ماده ۵۸ به نظر می رسد که صرف پرداخت ضرر و زیان، کافی

برای اعطای آزادی مشروط است گرچه مجرم جزای نقدی را پرداخت نکرده باشد. هدف «دفاع اجتماعی» به اندازه اصلاح مجرم و آزادی وی حائز اهمیت است پس آزادی مشروط زندانی نباید باعث ضرر و زیان جامعه از طریق بزهکاری احتمالی او در آینده شود پس باید پیش بینی شود که او در آینده مرتکب جرمی نخواهد شد (صانعی، ۱۳۵۲: ۳۰۵ و ۳۰۶) از طرف دیگر آزادی پیش از مورد محکومینی که هنوز به اندازه کافی اصلاح نشده اند و آمادگی برقراری زندگی عادی در جامعه را دارا نیستند می تواند امنیت جامعه را به خطر بیاندازد و باعث برهم زدن نظم و انضباط در جامعه گردد از این رو آزاد کردن چنین مجرمی به صلاح جامعه نیست. در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مسئولیت این امر بر عهده قاضی اجرای احکام بوده که موظف است مواعید مقرر و وضعیت زندانی را که طی پرونده انضباطی و شخصیتی که توسط مسئولین زندان تهیه و تکمیل می شود را مورد بررسی قرار داده و در صورت احراز آن، پیشنهاد آزادی مشروط را به دادگاه تقدیم می نماید البته احراز این شرط امری بس مشکل و تقریباً محال است چراکه به سهولت نمی توان به اندیشه و افکار انسانها پی برد و آن را مورد ارزیابی قرار داد (آخوندی، ۱۳۶۹: ۱۰۹) تنها دلیلی که در این زمینه می تواند ملاک تشخیص دادگاه قرار گیرد، محتویات پرونده کیفری و گزارش سازمان زندانها در مورد اخلاق و رفتار محکوم در طی دوران اقامت در زندان است (شامبیاتی، ۱۳۷۲: ۴۴۵) محاکم جزا در صورتی که متهم را مستحق تخفیف بدانند پس از قطعی شدن حکم به زندانی آزادی مشروط اعطا می نمایند تا با این وسیله مدتی را که به عنوان آزمایش سپری می کند و بیم و امید به آزادی مطلق دارد، دیگر جرئت ارتکاب جرم تازه را نکند و کاملاً اصلاح گردد. (دامغانی، ۱۳۳۹: ۶)

د: عدم استفاده از آزادی مشروط در گذشته

قسمت اول ماده ۳۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ مقرر می داشت: «هر کس برای بار اول به علت ارتکاب جرمی به مجازات حبس محکوم شده باشد» ظاهر ماده مزبور مبین این امر بود که کسی که سابقه محکومیت به حبس داشته باشد نمی تواند از آزادی مشروط استفاده نماید اما قانونگذار در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در ماده ۵۸ دیگر از عنوان اولین بار

استفاده ننموده است بلکه مقرر داشته است: « محکوم پیش از آن از آزادی مشروط استفاده نکرده باشد ». در نتیجه، قانونگذار با این اقدام خود دامنه استفاده از آزادی مشروط را توسعه داده است. و کسانی که سابقه محکومیت حبس داشته ولی در آن مدت از آزادی مشروط استفاده نکرده باشند در حبس بعدی می توانند از آن استفاده نموده و از آزادی بهره ببرند. (زراعت، ۱۳۹۲: ۲۸۰) قانونگذار در بند ت ماده ۵۸ قانون مجازات اسلامی اشاره به این موضوع نموده که در صورتیکه محکوم علیه به هر دلیلی در گذشته از آزادی مشروط استفاده نموده باشد دیگر حق برخورداری مجدد از آن را نخواهد داشت اما در این باره سوالاتی مطرح می گردد.

۱- آیا این عدم استفاده مربوط به کسانی که در گذشته از آزادی مشروط استفاده کرده ولی در مدت زمان تعیین شده توسط دادگاه به جهت عدم رعایت دستورات دادگاه مجدداً حکم به مرحله اجرا در آمده و قادر به استفاده از آن نبودند می باشد یا خیر؟

بنظر می رسد با توجه به صراحت ماده و همچنین وجود سابقه هر چند بسیار کوتاه مدت در سجل کیفری محکوم علیه دلیل بر این مطلب بوده که قبلاً از این امتیاز استفاده نموده و به جهت عدم دقت و سهل انگاری نتوانسته بهره کافی از آن ببرد بنابراین دیگر حق استفاده از آن را نخواهد داشت.

۲- در صورتی که شخص مرتکب جرمی در یکی از کشورهای اسلامی گردد و پس از قطعیت حکم و سپری شدن مدتی از مجازات از آزادی مشروط استفاده نماید با این حال این شخص می تواند با ارتکاب جرمی در ایران از آزادی مشروط استفاده نماید؟

بند ت ماده ۵۸ شرط استفاده از آزادی مشروط را عدم استفاده در گذشته دانسته و همچنین به استناد بند ب ماده ۷ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ که در صورتی که جرم ارتكابی از جرایم موجب تعزیر باشد و متهم در محل وقوع جرم محاکمه و تبرئه نشده یا در صورت محکومیت، مجازات کلاً یا بعضاً درباره او اجرا نشده باشد قانون ایران صالح به رسیدگی جرم است لذا چون محکومیت در آن کشور به مرحله اجرا در آمده دیگر نیازی به رسیدگی

مجدد آن در ایران نیست پس طبق اصل سرزمینی بودن جرایم و مجازاتها ارتکاب جرم در کشور دیگر بعنوان سابقه متهم در ایران لحاظ نخواهد شد. بنابراین چون محل وقوع جرم ایران نبوده و سابقه ای نیز در سجل کیفری او وجود نداشته است با ارتکاب جرم جدید در ایران می تواند از آزادی مشروط استفاده نماید. شایان ذکر است که اگر شخصی در حبس قبلی از عفو استفاده کرده باشد این امر مانع از اعطای آزادی مشروط نخواهد بود چه آن که قانونگذار در ماده ۵۸ قانون جدید، تنها استفاده از آزادی مشروط را مانع از استفاده مجدد آن دانسته است. البته برخی مولفین حقوقی بدون ارائه هیچ گونه دلیلی، کسی را که مورد عفو قرار گرفته، شایسته استفاده از آزادی مشروط و ارفاق قانونگذار نمی دانند. (زراعت، ۱۳۹۲: ۲۸۰)

بخش ششم: نقش زندان و جامعه در قبال آزادی مشروط

در این بخش به بررسی اینکه زندان در قبال آزادی مشروط و همچنین جامعه در قبال آزاد شده چه نقشی را ایفا می کنند پرداخته خواهد شد.

بند اول: نقش زندان در قبال آزادی مشروط

بموجب ماده ۲۰ آئین نامه سازمان زندانها اظهار نظر و تصمیم و بررسی و قبول تقاضای زندانی از وظایف شورای طبقه بندی زندانها که ریاست آن را رئیس هر زندان بر عهده دارد در نظر گرفته شده، پس نقطه آغازین آزادی مشروط از زندان صورت می گیرد و همچنین بنده ماده ۲۲ آئین نامه مزبور پیشنهاد تصویب شده از سوی شورای طبقه بندی را به مرجع قضایی، فقط از طریق رئیس زندان موجه دانسته است و قبول تقاضای آزادی مشروط از سوی رئیس زندان در ماده ۱۵۸ آئین نامه بعنوان رابط زندانی با ماموران زندان در صورت بروز رفتار و اخلاق حسنه که به عنوان پاداش زندانی تلقی خواهد شد از اختیارات رئیس زندان است. بنابراین هیچ دلیل موجهی برای تخفیف مجازات قانونی محکوم علیه پس از صدور حکم قطعی بنظر نمی رسد و فقط در این ایام امتیازی که به زندانی تعلق می گیرد استفاده از آزادی مشروط است که آن با مدیریت و برنامه ریزی و آموزش زندانیان در زندان از طریق

مددکاران اجتماعی و سایر خدمتکاران زندان که واقعاً زحمات و دشواریهای بی شماری را در این عرصه متحمل می شوند، صورت می گیرد تا در نهایت با احساس ندامت و تغییر دیدگاه و افکار خود به این هدف مهم که افراد زیادی در تحقق آن نقش دارند برسد. البته جدای از اینکه زندان مکان مناسبی برای افراد نیست اما بعنوان مرکزی آموزشی به فعالیت می پردازد تا با آموزشهایی که در این دوران به زندانی داده، در زمان خروج زندانی از زندان او را در حرفه ای که قبلاً دوره دیده و مهارت کسب نموده بگمارد تا با این روش نیازهای خود و خانواده اش را تامین نماید.

بند دوم: وظیفه جامعه در قبال آزاد شده مشروط

زمانیکه حکومت پس از اجرای تمام یا قسمتی از عدالت نسبت به محکوم علیه، وظیفه خود را در قبال زندانی پایان یافته تلقی می نماید شخص آزاد شده خود را مواجه با دو مشکل بزرگ در مرحله جدیدی از حیات خود می یابد که از دید علمای حقوق این مرحله «بحران آزادی» نام گرفته است. (کار کیا، ۱۳۳۹: ۵۷۷)

لذا این دو مشکل عبارتند از ۱- عدم اعتماد جامعه به رها شده ۲- میل او به تکرار جرم

فرد آزاد شده پس از رهایی از زندان وقتی وارد اجتماع می گردد مردم جور دیگری به او می نگرند و سعی می کنند از او فاصله بگیرند و او را به چشم محکوم سابق می بینند چون عرف بدین گونه است که کسی که وارد زندان می شود دیگر مانند افراد عادی نیست بلکه شخصی خطرناک است و باید برای حفظ آبرو و خطر از او فاصله گرفت اگرچه در درون خود یک نوع ترحم به او نیز احساس می کنند ولی بروز نمی دهند لذا این رفتار و واکنش منفی باعث دور شدن از اجتماع و تمایل به تکرار جرم را به خصوص در زندانیان رها شده ای که مسئولین زندان در دوران حضور زندانی در زندان بدرستی نتوانسته اند در امر اصلاح و تربیت و ترغیب او به زندگی شرافتمندانه، اثر مطلوبی بگذارند یا در اعطا آزادی مشروط زندانی رفتار را با زیرکی کنترل تا خود را در شمول آزادی مشروط قرار داده و از زندان

بگریزد و این عدم اهلیت از چشم مقامات زندان پنهان مانده و شاید شرط فسخ آزادی مشروط که اکثر کشورها آن را پذیرفتند این باشد.

بند سوم: نقش آزادی مشروط در سلامت زندانی

قوانین و مقررات جاری سازمان زندان‌ها می‌گوید: چنانچه رفتار مجرم در طول دوران حبس اصلاح شده باشد طبق شرایطی خاص می‌تواند به آغوش جامعه بازگردد، زیرا او در محیط جامعه بیش از محیط زندان مراحل رشد و تعالی را طی خواهد نمود. آزادی مشروط یکی از عوامل کارآمد در تشویق زندانی‌ها به کار، ایجاد نظم و خوش رفتاری در محیط محسوب می‌شود. در ایجاد انگیزه برای اصلاح و تربیت زندانی‌ها نیز بسیار مؤثر و پرفایده است. آزادی مشروط یکی از مراحل اجرای روش‌های اصلاحی و تربیتی نیز محسوب می‌شود. جدای از آنکه آزادی مشروط موجب کاهش جمعیت زندان‌ها و هزینه‌های تحمیلی بر دولت می‌گردد تأثیر بسیار مثبتی نیز بر عملکرد و زندگی زندانی و خانواده‌اش می‌گذارد و او در راستای تغییر رفتار، برای ورود به اجتماع تلاش خواهد کرد. قانون آزادی مشروط نخستین بار در سال ۱۳۳۷ با تصویب قانون وارد نظام کیفری ایران شد. به موجب ماده واحده این قانون هر فرد که برای بار نخست به علت ارتکاب جرم یا جنایت به مجازات حبس محکوم شده بود تحت شرایطی می‌توانست از آزادی مشروط استفاده کند. این قانون بعدها وارد قانون مجازات اسلامی گردید و آخرین بار در سال ۱۳۷۷ اصلاح شد. (همتی، ۱۸، ۱۳۹۰) به‌طور قطع پس از احراز خطرناک بودن مجرم برای اجتماع، سلب آزادی و کنار گذاشتن وی از چرخه فعالیت‌های اجتماعی به عنوان تدبیری برای فرار از آثار سوء باقی ماندن مجرم در جامعه همواره مدنظر مقنن بوده است که این هدف با صدور حکم حبس و اعزام فرد بزه‌کار به زندان محقق می‌گردد. در واقع تحمل دوران حبس به منزله یک دوره درمان برای اصلاح و بازپروری مجرم است که در کنار اهدافی چون تنبیه و ارعاب مجرم و دیگر افراد اجتماع از اهداف اصلی مجازات است. به گفته وی، اگرچه اعطای مرخصی‌های سخاوتمندانه و بدون ضابطه به زندانی‌ها از جانب دستگاه قضایی سهم شایانی در لوث شدن این اهداف و به فراموشی سپردن جنبه ارعابی و سرکوبگر مجازات حبس داشته است اما باید

به این نکته هم توجه داشت که احتمال دارد پس از تحمل بخشی از مجازات حبس، هدف اصلی مجازات حبس که همانا اصلاح و بازپروری مجرم است حاصل شود و مجرم آماده بازگشت به زندگی اجتماعی گردد. در چنین شرایطی باقی ماندن مجرم در زندان امری عبث و بیهوده است که هزینه‌های سرسام‌آوری را نیز به وی، خانواده‌اش و در نهایت خزانه عمومی تحمیل می‌کند. برای حمایت از این قبیل مجرمان تدبیری حمایتی با عنوان آزادی مشروط در قانون پیش‌بینی شده است که در صورت تجمع آنها، شرایط معینی زمینه را برای آزادی زودتر از موعد زندانی فراهم می‌کند. در حقیقت آزادی مشروط عاملی است برای مقابله با تکرار جرم که به موجب آن هرگاه محکوم قبل از پایان دوره حبس از خود رفتاری مناسب و شایسته نشان دهد و دستورهای دادگاه را اجرا نماید به‌طور قطعی آزاد می‌گردد و در غیر این صورت باید تمام مدت حبس را تحمل نماید. مقررات مربوط به آزادی مشروط در فصل هشتم قانون مجازات اسلامی سال ۹۲ و در مواد ۵۸ تا ۶۳ گنجانده شده است.

بند چهارم: تأثیر اجتماعی آزادی مشروط

آزادی مشروط روش بلندمدت حبس زندانیان می‌باشد که شباهتی به روش نگهداری متهمان در اردوگاه‌ها و استفاده از دستگاه‌های الکترونیکی رایانه‌ای ندارد. به‌جای فرستادن به زندان، محکوم برای بازپروری به مرکز مراقبت فرستاده می‌شود و کلیه‌ی رفتار وی در فاصله‌های مختلف زمانی به صورت مرتب گزارش می‌شود. موقعیت‌هایی که ممکن است در آزادی مشروط لحاظ شود: اشتغال‌زایی، اجرای آزمون‌های تصادفی مواد مخدر اگر مددجو ضوابط و مقررات آزادی مشروط را قبول نکند، مرکز ممکن است پیشنهاد کند که مددجو به زندان برگردد آزادی مشروط اغلب به علت بعضی از ویژگی‌ها مانند داشتن لیاقت و شایستگی مددجو تحت مراقبت نبودن و اعمال تنبیه‌ها و یا ارتکاب جرم مجدد و رسیدگی دقیق نکردن به مددجو مورد انتقاد واقع شود. بسیاری آزادی مشروط را رد نموده‌اند زیرا بر اساس مطالعات شرکت راند در لس‌آنجلس و آلمدا در کالیفرنیا، معتقدند متهمانی که در آزادی مشروط به سر می‌برند احتمال ارتکاب به جرم جدید از آن‌ها انتظار می‌رود. همچنین این شرکت اعلام کرده است که ۶۵ درصد از زندانیان متفرقه طی سه سال مجدداً دستگیر

شده و ۵۱ درصد به واسطه‌ی جرایم جدید محکوم شده‌اند اما با وجود این مطالعات گسترده‌ای انجام گرفته که بیان می‌کند میزان بازگشت مجدد کاهش چشمگیری یافته است (زررخ، ۱۳۹۲: ۴۲). مطالعات کنتوکی نشان داده است که فقط ۲۲ درصد از زندانیان تبهکار مجدداً دستگیر شده و ۱۸ درصد دیگر به واسطه‌ی جرایم عمومی طی سه سال دستگیر شده‌اند. مطالعات میژورنیز بیان داشته است که ۲۲ درصد از زندانیان مجدداً دستگیر و طی یک دوره ۴۰ ماهه ۱۲ درصد مجدداً مرتکب جرم شده‌اند. مطالعاتی که بیان شده این است که ده هزار مورد در ۱۶ حوزه قضایی بررسی و ۳۴ درصد از متهمان طی ۳۳ ماه دوباره دستگیر شده‌اند و طبق تحقیقات احتمال ارتکاب به جرم متهمین مواد مخدر نسبت به دیگر جرایم کمتر است. اولین مطالعات تجزیه و تحلیل آزادی مشروط در نیو جرسی در مورد دو هزار مددجو صورت گرفته که بیان می‌کند ۴۷ درصد از متهمان تبهکار به علت سرقت و جیب‌بری طی ۴ سال و ۳۰ درصد از متهمان به علت مواد مخدر و ۴۰ درصد به علت جرایم دیگر دستگیر شده‌اند. قابل توجه است که ۳۱ درصد به علت جیب‌بری، ۳۲ درصد سرقت، ۱۴ درصد مواد مخدر مرتکب جرم شده‌اند. احتمال ارتکاب به جرم مجدد توسط سارقان و جیب‌برها خیلی شبیه به مددجویان تحت نظارت آزادی مشروط می‌باشد. اما احتمال ارتکاب به جرم مواد مخدر بسیار پایین‌تر می‌باشد. تحقیقات آزادی مشروط در خصوص جرایم جزیی مواد مخدر می‌باشد عده‌ای از محکومان آزادی مشروط را انکار می‌کنند. زندان محلی برای نگهداری زندانیان مواد مخدر که تمایل به آزادی مشروط ندارند، مناسب است و بیشتر در خصوص مجرمان سارق و جیب‌بر کاربرد دارد. نتیجه آزادی مشروط این است که محکوم محیط زندان را ترک و بزندگی اجتماعی برمیگردد و برای مأمورین زندان این است که محکومین برای اخذ آزادی مذکور مطیع و فرمانبردار گردیده و قوانین و مقررات زندان را در ضمن بازداشت رعایت مینمایند. پس از آزادی نیز برای مدتی مجبورند طبق شرائطی که در موقع آزادی امضاء نموده‌اند بکار مشغول در

KENTUCKY

missour

نتیجه کم کم بزنگی شرافتمندانه مأنوس و دست از یاوه گری و اداره زندگی از راه نامشروع
برمی دارند .

منابع و مآخذ

قرآن کریم

آخوندی، محمود (۱۳۷۴) آئین دادرسی کیفری، ج ۳، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

اردبیلی، محمد علی، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، نشر میزان، تهران، ۱۳۸۰

بهری، محمد، حقوق جزای عمومی، مجد، تهران، ۱۳۸۰

پرادل، ژان (۱۳۷۳) تاریخ اندیشه های کیفری، ترجمه دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ اول.

دهخدا، علی اکبر (۱۳۴۸) لغت نامه، ج ۲۷، انتشارات دانشگاه تهران.

دانش، تاج زمان (۱۳۶۸)، حقوق زندانیان و علم زندانها، انتشارات دانشگاه تهران،

رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۸۱)، بزه دیده در فرایند کیفری، انتشارات خط سوم، چاپ اول، تهران

زهر، هوارد؛ (۱۳۸۳) «کتاب کوچک عدالت ترمیمی»، ترجمه حسین غلامی، چاپ دوم، انتشارات مجد

زراعت، عباس (۱۳۹۲)، حقوق جزای عمومی ۳، انتشارات جاودانه، جلد سوم، چاپ اول، تهران

شامیاتی، هوشنگ (۱۳۷۵) حقوق جزای عمومی، ج ۲، انتشارات ویستار، چاپ هفتم.

صانعی، پرویز (۱۳۷۲)، حقوق جزای عمومی، ج ۱، چاپ پنجم، تهران، گنج دانش،

علی آبادی، عبدالحسین (۱۳۵۲)، حقوق جنایی، بی جا، جلد دوم، بی نا، تهران،

معین، دکتر محمد، فرهنگ فارسی یک جلدی کامل، انتشارات ساحل، چاپ دوم ۱

دامغانی، محمد تقی (۱۳۳۹)، معایب تخفیف مجازات و مزایای آزادی مشروط، نشریه حقوقی قانون و کلاهی دادگستری، ش ۷۰،

دپارتمان حقوق و علوم سیاسی، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۶

زررخ، احسان، تعلیق اجرای مجازات و اهداف و آثار، برگرفته از پایگاه اینترنتی

سلیمان یزدی، حسین (۱۳۵۴)، « آزادی مشروط » مجله حقوقی وزارت دادگستری، شماره ۱۰،

کارکیا، محمد تقی (۱۳۳۹)، آزادی مشروط، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۹ و ۱۰،

کارمزدی، عبدالکریم (۱۳۷۶)، « آزادی مشروط زندانیان »، مجله دادرسی، شماره ۱، سال اول، فروردین

محبی، شاهرخ، آزادی مشروط زندانیان، برگرفته از پایگاه اینترنتی: پست ۳۰۱

نजारزاده، نیما (۱۳۸۵)، آزادی مشروط زندانیان، انتشار پایگاه نشر مقالات حقوقی، حق گستر

نوربها، رضا، آزادی مشروط در ماده ۳۸ قانون مجازات اسلامی، برگرفته از پایگاه اینترنتی



مرکز آموزش ملی-کاربردی
سازمان همیاری شهرداری های
ایران



انجمن علمی دانشجویان
ISLAMIC ASSOCIATION OF GRADUATE STUDENTS

بنیاد علمی قانون یار برگزار می کند

با همکاری و حمایت معنوی
مرکز آموزش علمی-کاربردی سازمان همیاری شهرداری های استان اصفهان



همایش ملی

علمی- پژوهشی فقه و حقوق اسلامی



پایگاه های نمایه کننده مقالات همایش

Sponsored and Indexed by

CIVILICA

We Respect the Science

T

BPBIN.com

Sponsored And Indexed

همایش های ایران

symposia

CONF PAPER

کنفرانس پاور

Conference Paper

مجموعه نشریات علمی

پایگاه اطلاع رسانی

مجموعه نشریات علمی

مجموعه نشریات علمی

دکتر بهنام اسدی

مسئول برگزاری

محور های همایش:

پذیرش مقاله در تمامی زمینه های علوم تربیتی و روان شناسی (تمامی گرایش ها)، برنامه ریزی درسی علوم مشاوره، فلسفه تعلیم و تربیت، آموزش و پرورش، آموزش الکترونیک، برنامه ریزی آموزش عالی علوم اجتماعی، فرهنگ، هنر (تمام گرایش ها)، ارتباطات اسلامی و سایر موضوعات مرتبط با علوم انسانی

۱۵
بهمن
ماه
۱۳۹۸

اصفهان سالن اجلاس دانشگاه

ارکان کلیدی همایش

دبیر اجرایی همایش:

دکتر امین امیریان فارسانی

رئیس هیات داوران:

دکتر سعید سامانی مجد

رئیس شورای سیاست گذاری:

دکتر سعید خردمدی



جهت چاپ مقالات خود در دیگر همایش های قانون یار

کافیست فایل word مقاله خود را به همراه شماره تماس به آدرس ایمیل زیر ارسال نمایید

phdsara@yahoo.com

ارسال مقاله در واتس آپ یا تلگرام به شماره 09100636002

همایش های علمی و پژوهشی، هر ساله در دو نوبت برگزار می شود





دبیرخانه همایش: تهران، میدان انقلاب، خ منیری جاوید، کوچه مینا، پلاک ۲۹، طبقه سوم

واحد مشاوره ۰۲۱۶۶۹۷۹۵۱۹ - ۰۲۱۶۶۹۷۹۵۲۶ واحد صدور مدرک ۰۲۱۶۴۴۴۱۷۶۴

www.olomensani.IR